

سوالات چهار گزینه‌ای (۲ نمره)

۱- ج ۲- الف ۳- ج ۴- الف

سوالات تشریحی (۱۸ نمره)

۱- «قصر حقیقی» و «قصر اضافی» را تعریف کرده، بیان کنید هر یک از مثال‌های زیر کدام یک از این دو به شمار می‌آید.
(أ) ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ﴾ : (ب) ﴿وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾ :

قصر حقیقی: قصری است که مقصور علیه به حسب حقیقت و واقع (بدون مقایسه با گروه خاص) مورد تخصیص قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که این قصر به غیر از مقصور علیه به چیز دیگری تعدی نمی‌کند. (۰/۷۵)
قصر اضافی: قصری است که مقصور علیه به حسب اضافه و نسبت با شیء معین دیگری مورد تخصیص قرار می‌گیرد، نه نسبت به همه آنچه غیر مقصور علیه است. (۰/۷۵)
الف) قصر اضافی (۰/۲۵) ب) قصر حقیقی (۰/۲۵)

۲- تفاوت «تعقید لفظی» و «تعقید معنوی» در چیست؟

- تعقید لفظی ناشی از به هم ریختگی ترتیب کلمات کلام است، و تعقید معنوی ناشی از پیچیدگی مفاهیم است.
یا: تعقید لفظی: مخفی بودن دلالت کلام بر معنای مراد متکلم است، به گونه‌ای که الفاظ به کار رفته در آن، متناسب با معنای مقصود متکلم مرتب نشده باشد، (به عبارت دیگر منشأ ایجاد خفای معنی عدم چینش صحیح الفاظ متناسب با معنای مراد است). به خلاف تعقید معنوی که منشأ خفای معنی پیچیدگی مفهوم واژگان است.

۳- «البلاغة في الكلام مطابقتها لما يقتضيه حال الخطاب مع فصاحة ألفاظه، وحال الخطاب هو الأمر الحامل للمتكلم على أن يُوردَ عبارته على صورة مخصوصة دون أخرى. والمقتضى هو الصورة المخصوصة التي تُوردُ عليها العبارة».

(أ) دو اصطلاح «حال خطاب» و «مقتضای حال» را با توجه به متن توضیح دهید.

(ب) آیه ﴿إِنَّا إِلَيْكُمْ لُمَرْسَلُونَ﴾ در خطاب به منکران حکم گفته شده است. حال خطاب و مقتضی را در آن توضیح دهید؟

(أ) «حال خطاب» چیزی است که متکلم را وا می‌دارد تا سخن خود را به گونه خاصی بیان کند (۰/۵). «مقتضی حال» آن صورت یا شکل مخصوصی است که متکلم سخن خود را بر اساس آن بنا می‌کند (۰/۵).
(ب) منکر بودن «حال» (۰/۵) و «تأکید کلام» مقتضی حال است (۰/۵).

۴- معانی ثانویه و اغراض بلاغی را که در آیات زیر وجود دارد، مطابق نمونه مشخص کنید.

۱- تعجیز / ۲- اظهار حسرت و اندوه / ۳- تهدید / ۴- تهویل / ۵- تحقیر / ۶- تخصیص / ۷- مدح / ۸- تأکید تخصیص / ۹- استبطاء / ۱۰- نکوهش و ذم / ۱۱- تهکم

نمونه: ﴿فَأَتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ﴾ : تعجیز

الف) ﴿وَرُزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ﴾ : (ب) ﴿وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ : (ج) ﴿هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾ :

د) ﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ النَّوَّابُ الرَّجِيمُ﴾ : (هـ) ﴿الْحَاقَّةُ مَا الْحَاقَّةُ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ﴾ : (و) ﴿رَبِّ إِنِّي وَصَّعْتُهَا أَنْتَى﴾ :

ز) ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكُفْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾ : (ح) ﴿اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ :

أ) استبطاء (ب) تخصیص (ج) تحقیر (د) تأکید تخصیص (هـ) تهویل (و) اظهار حسرت و اندوه (ز) مدح (ح) تهدید (۸ مورد - هر کدام ۰/۲۵)

۵- در آیه: ﴿وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ﴾ «خالی الذهن» (نوح) به منزله «متردد» قرار داده شده است. چگونگی آن را توضیح دهید.

با اینکه حضرت نوح درباره حکم کافران خالی الذهن است، اما بخش نخست آیه یعنی «ولا تخاطبني في الذين ظلموا» که خداوند وی را از شفاعت کافران بر حذر می‌دارد، ممکن است این سؤال را در ذهن نوح پدید آورد که آیا خداوند متعال واقعاً قصد غرق ساختن کافران را دارد یا خیر؟ از این رو، برای دفع تردید احتمالی وی، پاسخ به همراه تأکید گفته شده است.

۶- ادات «لیت» برای معنی «تمنی» وضع شده است. چرا در آیات زیر به جای استفاده از این ادات، از «هل» و «لو» برای رساندن معنی تمنی استفاده شده است؟

(أ) ﴿فَهَلْ لَنَا مِن شُفَعَاءٍ فَيَشْفَعُوا لَنَا﴾ : (ب) ﴿فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ :

الف) بیان کردن تمنی در قالب ممکن الحصولی که اعتقاد به منتفی بودن آن وجود ندارد به خاطر کمال عنایت بدان. (۱)

ب) دلالت بر عزت تمنی و ندرت حصول آن دارد، چرا که «لو» دلالت بر امتناع جواب به خاطر امتناع شرط دارد. (۱)

۷- مطابق نمونه، بنویسید که هر یک از معانی زیر توسط چه عامل بلاغی تولید شده‌اند؟ (از میان ۶ مورد زیر، تنها به ۴ عدد پاسخ‌گویید)

نمونه: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ﴾ ← تخصیص. جواب: تقدیم متعلق فعل

الف) ﴿فَعَشِيَهُمْ مِّنَ اللَّيْمِ مَا عَشِيَهُمْ﴾ ← تهویل :

ب) ﴿وَإِن يَكْذِبُواكَ فَكُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ﴾ ← تكثير :

ج) ﴿يَخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ﴾ ← تجدد و حدوث :

د) ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ ← تفخيم :

هـ) ﴿وَأَمْرَاتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ﴾ ← ذم :

و) ﴿فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ﴾ ← دفع توهم عدم شمول :

أ) تعريف مسند اليه به موصول (ما عشيهم)

ب) تنكير مسند اليه (رسل)

ج) ذكر مسند (يخادعون)

د) تنكير مسند (هدى)

هـ) تقييد بالنعته (حمالة الحطب)

و) تقييد بالتوكيد (كلهم اجمعون)

(۴ مورد - هر کدام ۵/۵. نمره)

۸- در تمام آیات زیر مفعول به حذف شده است، ولی اغراض حذف در هر یک با دیگری متفاوت است. آن را توضیح دهید.

نمونه: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ ← جواب: تنزیل فعل متعدی به منزله فعل لازم

الف) ﴿وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ﴾ : (بدعو جميع عباده) ←

ب) ﴿يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ﴾ : (يغفر الذنوب) ←

ج) ﴿فَمَن شَاء فَلْيُؤْمِن﴾ : (شاء الإيمان) ←

د) ﴿سَيَذَكِّرُ مَن يَخْشَى﴾ : (يخشى الله) ←

أ) تعميم باختصار

ب) طلب الاختصار

ج) بيان بعد از ابهام

د) محافظت سجع

۹- «إن لو» تفيد انتفاء الشيء بسبب انتفاء غيره في الماضي مع القطع بانتفاء الوقوع، نحو قوله تعالى: ﴿فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ﴾... هذا هو مقتضى الظاهر، وقد يخرج الكلام على خلافه فتستعمل "لو" في المضارع لدواعٍ اقتضاها المقام، كالأشارة إلى أن المضارع الذي دخلت عليه يقصد استمراره فيما مضى، وكتنزيل المضارع منزلة الماضي لصدوره عمّن المستقبل عنده كالماضي في تحقق الوقوع». با توجه به متن توضیح دهید به چه دلیل بلاغی، در دو آیه زیر به جای فعل ماضی برای «لو» از فعل مضارع استفاده شده است؟

أ) ﴿لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ﴾

ب) ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُؤُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾

أ) برای نشان دادن استمرار فعل، بدین معنی که اگر اطاعت در زمان گذشته به صورت مستمر و پی در پی رخ می‌داد، هرآینه ایشان به سختی می‌افتادند.

ب) مضارع در این آیه نازل منزل ماضی است زیرا این سخن از خداوند صادر شده است که آینده در دیدگاه او به خاطر تحقق وقوعش، مانند ماضی است.